

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

نویسنده: موسی فیربر
برگردان از: حمید بهشتی
۱۴ سپتمبر ۲۰۱۵

اسلامی که به زنان قولش داده شد

در باره تجاوز به زن در جوامع اسلامی و ازدواج اجباری که سپس به خاطر دلایل شرافت بر قربانیان مزبور تحمیل می شود و پیش تر آزادی آنها سلب و به شدت از آنها سوء استفاده می شد، من مقاله موسی امریکائی مسلمان شده، مؤرخ فبروری ۲۰۱۳ را که به مناسبت تجاوزات جنسی در هندوستان نگاشته شده است، بیانیه ای اصیل برای کرامت زن یافتم که می تواند در زمینه تحقیقات مربوط به برده داری نیز از آن استفاده شود. این مقاله موضوع مزبور را به صراحت بیان نموده و از پرده پوشی به در آورده است. (میلنا رامپودی)

اخبار وحشتناک و غمبار هندوستان به خودی خود و به اندازه کافی اسفبار می باشند: تجاوز گروهی، به مرگ دو قربانی منجر گشت. زنی ۲۳ ساله از شدت جراحات وارده جان داد و دختری ۱۷ ساله پس از آن که او را مجبور نمودند با یکی از تجاوزگران ازدواج نماید، خودکشی کرد.

این داستانها به تنهایی به اندازه کافی اسفبار اند. اما دریا که در سال ۲۰۱۲ نیز نظایر آن به وقوع پیوست.



تظاهرات زنان مراکشی علیه ازدواج اجباری در مورد قربانیان تجاوز جنسی: مورد غم انگیز آلفالی توجه مراکشیان را به خود جلب نمود و سرانجام به حذف ماده ۴۷۵ از قوانین گشت که به تجاوزگران فرصت می داد بتوانند از قضاوت دادگاه بگریزند.

مورد مشابه دیگر مربوط به دختری مراکشی است که خودکشی کرد، پس از آن که دادگاه به او گفته بود می باید مرد تجاوزکار را به همسری اختیار نماید. یک مورد دیگر هم مربوط به دختری ۱۴-۱۵ ساله از اهالی اردن می باشد. در

این دو مورد و موارد دیگر جوامع مربوطه و دستگاه های قضائی آنها بر این مبنا دآوری می نمایند که بخشیدن فرد متجاوز در صورتی که او قربانی خویش را به همسری گیرد، رضایت بخش می باشد. قضاوت در این زمینه در مراکش متکی بر ماده ۴۷۵ قانون جزائی است (که از قوانین فرانسه گرفته شده و مبتنی بر آنگونه روابط اجتماعی است که پیش از ازدواج با رضایت طرفین صورت گرفته باشد) و در اردن متکی است بر ماده ۳۰۸. قوانین مشابهی نیز در سایر کشورها وجود دارند که شرافت زن بر شرافت خانوادگی تأثیر گذارده و هراس از تجاوز جنسی مهمتر از حفظ جان و کرامت انسانی زن تلقی می گردد.

هنگامی که من از این موارد مطلع می گردم، هر بار شگفت زده هستم از این که چگونه مسلمانان می توانند از تجاوزگرانی حمایت نمایند که از طریق ازدواج با قربانی خود انجام می شود که غالباً نیز با فشار بر وی و خانواده اش می باشد. من به عنوان کارشناس حقوق اسلامی می دانم که تا چه میزان این موارد در نقض تعالیم اسلام در زمینه حقوق قربانیان و در تعریف عدالت و معنای شرافت می باشند.



در حمایت از آزادی زنان در کشورهای اسلامی، پلاکات شوروی، حدود ۱۹۲۰

جهان بینی اسلامی متکی بر مبانی روشنی در زمینه حقوق و وظایف مربوط به دفاع از خویشتن و سایرین در قبال تجاوز به اشخاص و کرامت آنها می باشد. و این به ویژه در زمینه تجاوز جنسی مصداق دارد که زن موظف است در مقابل تجاوزگر از خود دفاع نموده و اشخاص حاضر موظف اند از او حمایت نمایند... و حتا برخی از علماء علاوه بر آن توصیه می کنند که دفاع از خویشتن می باید بر آثار ناشی از تجاوز شامل گشته و بر ایجاد احساس امنیت و دلجوئی و مراقبت نسبت به بی پناهی زن و سقط جنین ناشی از تجاوز نیز گسترش یابد. استدلال طرفداران این برداشت بر این مبناست که رویکرد مزبور با اهداف عالیه حقوق اسلامی که حفظ حیات و وضع روحی زن را بر حفظ نسل و مال و شرافت ارجحیت می نهد، مطابقت دارد. قوانین و شریعت اسلام به صراحت بر این اساس متکی است که ازدواج رابطه ایست که بر تمایل و احترام متقابل، صمیمیت، اعتماد و نیکی رفتار مبتنی بوده، خانواده پناهمگاهی برای حفظ خویشتن از هوس هرز جنسی می باشد.

اجبار قربانی تجاوز جنسی به ازدواج با متهم یا محکوم به تجاوز، هر گونه امکان دفاع از خویشتن را از فرد قربانی سلب نموده، او را در معرض تجاوز مجدد به جسم و روان و کرامت انسانی اش قرار می دهد. بدین طریق زن علاوه بر آن مجبور می گردد در زوجیتی به سر برد که بر نفرت، بیگانگی، خشونت و سوء استفاده بنا گشته و بدینسان به تجاوزکار جایزه نیز داده می شود.

در اسلام گرایش به رحمت ریشه ایست. بخشیدن تجاوزگران جنسی که حاضر به ازدواج با قربانی خویش گشته و وی را مجبور به تمکین از خود نمایند، اما با این رحمت در تناقض است.

در گذشته ها به کرات دیده شده است که در مواردی که قربانیان تجاوز جنسی مجبور به ازدواج با تجاوزگر گردند، می تواند به خودکشی آنها منجر گردد. اجبار قربانیان مزبور بدین که حاضر به چنین ازدواجی گردند، شرافت خانوادگی را برتر از ارزش جان، روان و کرامت انسانی زن قرار داده و دقیقاً با مبانی شریعت اسلام به لحاظ ارزشی متناقض است. چگونه می توان این رویکرد معکوس معیاری را با جهان بینی اسلامی که هم ایجاد فساد در زمین و هم قتل نفس را با کشتن تمامی انسانها برابر دانسته و نجات یک جان را با نجات همه انسانها برابر می داند، همساز نمود؟ (قرآن- ۳۲:۵) (۱)

برخی از علماء این رویکرد را به دلایل فرهنگی اختیاز نموده اند، بدین خاطر که این امر در میدان انعطاف پذیری اسلام در قبال فرهنگ ها و رسوم محلی بوده است. زیرا فرهنگ های محلی ارتکاب تجاوز جنسی را آنچنان موجب سرافکنده عظیمی می دانند (چه تجاوزگر فقط متهم به تجاوز باشد و چه محکوم نیز شده باشد) که مصلحت قربانی را در ازدواج با تجاوزگر می بینند و این در حالیست که قانون اسلام حقیقتاً تا حدی دارای انعطاف نسبت به فرهنگ های محلی است که با اهداف والای این دین در تناقض نباشند. خلاصه کلام اینکه حقوق اسلامی فقط به اعمالی توصیه می کند که با قوانین اسلام مطابقت داشته و اعمالی را مردود می داند که حقوق اسلامی را نقض نموده و یا بی ارزش نمایند.

برخی دیگر از علماء مدعی این هستند که این قوانین فقط در مواردی می باید به کار برده شوند که رابطه جنسی با توافق و رضایت طرفین صورت گرفته باشد و این کار از جمله توسط زوج هائی می تواند صورت گیرد که امیدوار باشند خانواده های خود را از این طریق مجبور به رضایت به ازدواجشان نمایند، در حالی که در صورت علنی شدن آن، مهر تجاوز به زن و خانواده وی خواهد خورد. به کار بردن این عبارت برای محفوظ داشتن اجتماع از اعتراف بدینکه زنان پای رابطه جنسی رضایتمندانه می روند، زنانی را که بدانان ستم شده است به ستمی بزرگتر دچار می سازد که گاهی نیز بدانجا می انجامد که آنان به خاطر وحشت و بیچارگی دست به خودکشی می زنند. این روند دارای اشکالی اساسی است: این که در یک جامعه مسلمانان رسوائی ناشی از یک تجاوز جنسی با گسترش آرام فساد و پایان دادن ناحق به زندگی یک فرد معادل انگاشته گردد.

اولین نسل مسلمانان در تاریخ اسلام از قوانین قرآنی تبعیت می نمود که سنت کشتن اطفال مؤنث را برطرف می ساخت، در حالی که این کار پیش از آن غالباً با غرور صورت می گرفت تا از بروز رسوائی در خانواده پیشگیری گردد. مسلمانان از این طریق با غرور به بالا بردن ارزش اجتماعی زنان دست یافتند. اما این چگونه احساس غروری است که از به خاک سپردن دختر کوچک جلوگیری شده تا که او بتواند به سن بلوغ رسیده و آنگاه آرزو نماید که یکبار با او همان کار را کرده و او را به هنگام تولد به خاک سپرده بودند؟ داستانهای غم انگیز بیشمار زنانی که بارها مورد تجاوز بوده اند، فقط می تواند انحراف از اسلام تلقی گردند و متأسفانه نیز از جانب خود مسلمانان.

(۱)- آیت ۳۲ از سوره ۵ قرآن: به اینجهت بر فرزندان اسرائیل مقرر کردیم که هر که کسی را جز به قصاص یا فساد که در زمین کرده، بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد و هر که کسی را زنده بدارد، چنان است که مردم را زنده داشته باشد، پیامبران ما با آیت های روشن سوی آنها آمدند و با وجود این بسیاری از آنان در زمین اسرافکاران بودند.

برگرفته از تلکسکالا - ۹ سپتمبر ۲۰۱۵

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=15873>